

قسمت دوم

حبیب تقوایی

مدرس مرکز تربیت معلم دکتر شریعتی ساری

فنی اللغة العربیة المفصّل العامیة

۴. افزودن لفظ «عم» جهت اختصاص فعل مضارع به زمان حال
۵. بی‌نیازی از صیغه‌های مثنی
۶. یک‌سان شدن جمع مؤنث با جمع مذکر
۷. حذف نون اعراب در فعل مضارع مرفوع.

ب. اقسام فعل

علاوه بر اقسام موجود سه‌گانه «ماضی، مضارع و امر» در فصیح، در زبان عامیانه، فعل حال استمراری نیز وجود دارد که به شرح یکایک آنها و چگونگی صرف آنها خواهیم پرداخت.

۱. فعل ماضی

به مقایسه فعل ماضی فصیح و عامیانه توجه کنید.

الف. صرف فعل

میان صرف فعل در زبان فصیح و عامیانه سوریه اختلافات بسیاری وجود دارد که توجه به آنها ضروری می‌نماید. مهم‌ترین این اختلاف‌ها به شرح زیر است:

۱. کاهش فعل‌ها از چهارده صیغه به هشت صیغه
۲. آوردن حرف «ب» در اول فعل مضارع در اغلب

صیغه‌ها

۳. حذف حرکات از آخر فعل‌ها

❖ حال ساده:

ب+ فعل مضارع
مثال: أَنَا يَكْتُبُ وَطِيفَتِي كِلْ يَوْم.
من هر روز تکلیفم را می نویسم.

ترجمه	فعل	ضمیر
دارم می روم	عَمِ يَرْوُحُ	أنا
داریم می رویم	عَمِ نُرُوْحُ	نحن
داری می روی (مذکر)	عَمِ تَرْوُحُ	إنتِ
داری می روی (مؤنث)	عَمِ تَرْوِحِي	إنتي
دارند می روند	عَمِ يَرْوِحوا	إنتو
دارد می رود (مذکر)	عَمِ يَرْوُحُ	هو
دارد می رود (مؤنث)	عَمِ تَرْوُحُ	هي
دارند می روند	عَمِ يَرْوِحوا	هنتن

❖ حال استمراری:

علم+ فعل مضارع
مثال: أَنَا بَكْتُبُ وَطِيفَتِي هَلَا.
من الان دارم تکلیفم را می نویسم.

ترجمه	فعل	ضمیر
خواهم رفت	رَحَ يَرْوُحُ	أنا
خواهیم رفت	رَحَ نُرُوْحُ	نحن
خواهی رفت (مذکر)	رَحَ تَرْوُحُ	إنتِ
خواهی رفت (مؤنث)	رَحَ تَرْوِحِي	إنتي
خواهید رفت	رَحَ يَرْوِحوا	إنتو
خواهد رفت (مذکر)	رَحَ يَرْوُحُ	هو
خواهد رفت (مؤنث)	رَحَ تَرْوُحُ	هي
خواهند رفت	رَحَ يَرْوِحوا	هنتن

ترتیب	ضمیر	صرف فعل	ترجمه
۱	أنا	رَحْتُ	رفتیم
۲	نحن	رحنا	رفتیم
۳	إنت	رَحْتُ	رفتی (مذکر)

وزن فعل ماضی: فعل ماضی ثلاثی مجرد اغلب بر دو وزن می آید. (گاه یک فعل در هر دو وزن استعمال شده است و حرکت آخر آن نیز ساکن است).
الف) وزن «فَعْل» مانند: دَرَسْتُ، عَمَلْتُ، صَرَفْتُ، فَطَرْتُ، كَتَبْتُ و...

مثال: • إختي عَسَلْتُ إيديا (يديها).

• هو دَرَسْتُ مَنِيحٌ لِلَامْتِحَانِ.

ب) وزن «فَعِل» مانند: سَمِعْتُ، لَعِبْتُ، عَرِفْتُ، دَخِلْتُ،

رَكِبْتُ، رَجَعْتُ، تَعَبْتُ و....

مثال: • الولد تَعِبَ مِنْ كَثَرِ اللَّعِبِ.

• هِنَنْ مَا شَرَبُوا الشَّايَ.

• إنتو فِطِرْتُوَا زَبْدَةً وَ مَرَبِيَّ.

۲. فعل مضارع

الف) فصيح:

فعل مضارع در فصيح بر زمان حال دلالت می کند.

مانند يَكْتُبُ: می رود

و هرگاه با «س یا سوف» همراه باشد، زمان آینده

اختصاص می یابد: سوف (س) يَكْتُبُ: خواهد نوشت.

ب) عامی سوریه و لبنان: در زبان عامی فعل

مضارع به سه صورت به کار می رود.

ب / ۱. زمان حال ساده: با افزودن «ب» به اول

فعل مضارع، مانند بِيَأْكُلُ (يَأْكُلُ)

(دکتر انیس فریحه بر آن است که شاید این گویش

بازمانده یکی از لهجه های سامی قدیم است که در این

سرزمین متداول بوده است).

ب / ۲. زمان حال استمراری: با افزودن «عم» به

اول فعل مضارع، مانند «عم يروح»: دارد می رود.

ب / ۳. زمان آینده: با افزودن «رح» به اول فعل

مضارع، مانند هو رَحَ يَرْوُحُ عَالِسُوْءَ بَكْرَا: هو سوف يَذْهَبُ

إلى السوق غداً (او فردا به بازار خواهد رفت).

آینده:

علاوه بر اسلوب قیاسی فعل امر، تعبیرهای مختلفی در عامیانه وجود دارد که برای امر و نهی به کار می‌روند.

رح (ح) + مضارع:

أنا رَح بِكُنْتُب وَظِيفْتِي بُكْرًا.

من تکلیف را فردا خواهم نوشت.

اسلوب‌های امر:

۱. «خَلَى» به معنای اجازه بدهید، بگذارید و باشید، که اغلب به ضمیر منصوبی متصل است.

مثال: «خَلَى + ضمیر + اسم» مانند: خَلَيْكَ عَاقِلٌ (عاقل باشد)، خَلَيْكِي عَاقِلَةٌ (مؤنث)

«خَلَى + ظرف یا جار و مجرور» مانند: خَلَيْكَ هُونٌ (اینجا باش) خَلَيْكَ عَ اليمين (سمت راست باش)

«خَلَى + ضمیر + فعل مضارع» مانند: خَلِينَا نُرُوح (بگذار برویم)

«خَلَى + اسم» مانند: خَلَى الباب مُسَكَّرٌ (اجازه بده در بسته باشه).

۳. فعل امر:

الف) فصیح: فعل امر در فصیح از شش صیغه

مخاطب مضارع ساخته می‌شود.

ب) عامیانه: فعل امر فقط سه صیغه دارد به این

صورت که به جای مثنی و جمع مؤنث، از جمع مذکر استفاده می‌شود.

۲. «أَوْعَا، أَوْعَى» به معنای کنار بروید، مواظب باشید.

مثال: «أَوْعَا + اسم» مانند: أَوْعَا السَّيَّارَةَ (مواظب

ماشین باش)

«أَوْعَا + فعل مضارع» مانند: أَوْعَى تَأْكُولُ بَوْطَةَ (مواظب

باش بستنی نخور)

۳. «دِير بِالْكَ» به معنای مواظب باش، حواست را

جمع کن.

مانند: دِير بِالْكَ عَ السَّيَّارَةَ (مواظب ماشین باش)

۴. «طَوَّل بِالْكَ» به معنای صبر کن و طاقت بیاور، که

هنگام بروز مشکل با حادثه‌ای به کار می‌رود.

ضمیر	فعل	ترجمه
إِنْتِ	رُوحْ	برو (مذکر)
إِنْتِي	رُوحِي	برو (مؤنث)
إِنْتُو	رُوحُوا	بروید
إِنْتِي	بِتْرُوحِي	می‌روی (مؤنث)

ضمیر	فعل	ترجمه
أنا	پَرُوحْ	می‌روم
نحننا	مِنْرُوحْ	می‌رویم
إنت	بِتْرُوحْ	می‌روی (مذکر)
إنتی	بِتْرُوحِي	می‌روی (مؤنث)